

اقتصاد خاورمیانه

۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶

«خاورمیانه سرزمینی است سرشار از بشریت و آثار انسانی ،

تا آنجا که گردوغبارش نیز در خور احترام است»

سرزمین وسیعی مرکب از ده کشور با نژادهای مختلف و مختلط که آسیا و اروپا و آفریقا را بهم وصل میکند خاور میانه نامیده میشود . نژاد سامی در این منطقه نقش اساسی دارد و تحولات تاریخی و حوادث اعصار و قرون خویشاوندیها و پیوند های دیرینی میان اقوام و ملل این سرزمین بوجود آورده است . تاریخ خاور میانه از چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح آغاز میگردد و در افسانهها و اساطیر ملی و مذهبی بادوار و حوادثی قبل از این تاریخ هم برخورد میکنیم . خاور میانه گاهواره تمدنهای باستانی ایران کلمده و آشور مصر و بابل است و سه مذهب بزرگ یهود مسیحیت و اسلام را در دامان خود پرورش داده و باطراف و اکناف جهان پراکنده است . تمدنهای دیگر دنیای کهن نیز در خاور میانه انعکاسی عمیق دارد .

بر روی خاکهای قدیمی و جادههای خاور میانه تاریخ حوادث بزرگی را نقش نموده است جنبش های اجتماعی و نظامی رفت و آمدها و کاروانهای بازرگانی راه ابریشم و معبر بزرگ تجاری اروپا و آسیا همه باین نواحی مربوط میگردد و از این سرزمینها میگردد . جریانهای اقتصادی و سیاسی اروپا و آسیا و آفریقا و آنچه در نیمه دوم سده بیستم درینگه دنیا میگردد تاثیر خود را در زندگی مردم و معیشت خاور میانه ظاهر میسازد و اقتصاد و سیاست آنرا متحول میسازد . حمایت از منابع ثروت طبیعی و راههای بازرگانی تنها بهانه نیست . آنها که بخاطر آرمانهای بشری و آزادی عقیده قیام و مبارزه کرده اند از اماکن مقدسه مذهبی نیز حمایت خواهند نمود !

مسئله شرق با تقسیم امپراطوری عثمانی فیصله نیافت. مسئله شرق در بین دو جنگ و پس از جنگ اخیر نیز هم چنان در راس مسائل بین المللی قرار دارد. مفهوم واقعی این مسئله پوشش سیاسی خود را در آخرین تحلیل از دست میدهد و ماهیت اقتصادی آن ظاهر میگردد. مسئله شرق همان دادوستد و بازرگانی آسیا و اروپا و نفت و بهره برداری از منابع طبیعی و زیرزمینی و رقابت بر سر آنست.

تلاش مردم خاورمیانه برای بهبود زندگی و شرایط اقتصادی است. فقر و بی خبری و فساد - که از خارج تأیید میگردد - شرایطی نظیر آنچه در زندگی سرفه‌سای قرون وسطی وجود داشت فراهم میآورد. عادات معتقدات افکار عقب مانده و روحیات دیگر نیز مؤید فقر و بدبختی میگردد اما ذخائر طبیعی زیاد تر از تلاش مردم در تعیین سرنوشت و خوشبختی آنها تاثیر میکند. امروز مهمترین مسئله خاور میانه زمین و اصلاحات ارضی بشمار میآید.

در حدود ۸۵ درصد از ساکنین خاور میانه دهقان و کشاورز است. از این تعداد ۷۵ درصد با همان شرایط قرون وسطائی زمین را میکارند و مالک زمینی که میکارند نیستند. کشاورزی و نفت دو عامل اقتصادی خاور میانه را تشکیل میدهد و عوامل دیگر را کاملاً تحت الشعاع میسازد. زارعین مصری هنوز از آب کانال مینوشند. در ایران جویهای سر باز در شهرها و روستاها آب آشامیدنی را با خود میآورد. دهقانان خاور میانه با گاو و گوسفند و ماکیان خود زیر یک سقف میخوابند و مالکین بزرگ که از وسعت اراضی خود بی خبرند در آمد املاک را در اروپا و امریکا صرف مینمایند.

اکنون خاور میانه در یک رستاخیز و بیداری عمومی برپا میخیزد. ممکن است گامهای این رستاخیز یا تحول اجتماعی کوتاه و کند بنظر آید. اما مسئله تاریخی کنیدی و آرامش تحول یا رستاخیز نیست.

خاور میانه در حال تحول و تکامل اجتماعی و اقتصادی به پیش میراند از مختصات تاریخی زمان ما کیفیت تحولات اجتماعی و رستاخیزهاست که گاه صورت جهش بخود میگیرد. اکنون خاور میانه در کار آنست که بر روی خرابه‌های تمدن چندین هزار ساله خود در کنار معابد بزرگ و دکل‌های نفت تمدنی و نظامی که ساخته پرداخته دوران اتم است بوجود بیاورد و زندگی مردم را قرین رفاه و آسایشی که در خور انسانهاست بسازد. بعضی کشورهای خاور میانه با گامهای بلند تر و پاره دیگر با هستکی در جهت این تحول و تکامل

پیش میروند اما آنچه اهمیت دارد اینست که همه در آن جهت حرکت میکنند و کندی یا سرعت يك مسئله فرعی بشمار میآید :

تکامل اقتصادی یا تحول اقتصادی :

تکامل اقتصادی دارای مفهوم علمی و دقیقی است . درحالیکه تحول شامل هر نوع تغییر و تبدیلی که در رشته های مختلف اقتصاد صورت پذیرد میگردد . استفاده و بهره برداری از منابع زیرزمینی تولید مصنوعات و کالا های جدید اتخاذ طرق نوین تولید و کشاورزی و منسوخ شدن رسوم و آداب کهنه در رشته های تولید و صنعت همه تحت عنوان تحول اقتصادی قابل مطالعه است . این پدیده ها را با عنوان کلی و عمومی تکامل نیز میتوان نام برد اما تکامل اقتصادی بمعنی اخص مفهوم و مطلب دیگری است . تکامل اقتصادی بمعنی اخص تعریف صفات و مشخصاتی دارد . پیشرفت و تحول عمومی اقتصادی میتواند ظرفیت تولیدی کشوری را افزایش دهد و درآمد ملی را بالا ببرد بدون اینکه در زندگی افراد جامعه تاثیری ببخشد یا میزان رفاه و آسایش مردم را بالا ببرد .

تحول اقتصادی عام و کلی است اما تکامل اقتصادی آنست که در زندگی افراد بشر اثر مستقیم داشته باشد و تنها با این معیار و ملاک است که تکامل اقتصادی مشخص میگردد . *علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* باید دید نیازمندیهای بشری چیست ؟ احتیاجات اصلی بشر در يك زندگی خوب و مرفه خلاصه میشود . *مجله علمی علوم انسانی*

زندگی مرفه عبارتست از خوراک - پوشاک منزل بهداشت فرهنگ استراحت کافی و شرایط مناسب کار آرامش و آسایش فکری و وسائل تغذیه و پرورش روح و دماغ . تحول اقتصادی برای حصول تکامل لازم اما کفایت نمی کند . تکامل اقتصادی کلیه تغییرات و تحولاتی است که در جهت بهبود زندگی و ازدیاد رفاه و آسایش انسانها صورت گیرد . مشخصات تکامل اقتصادی را میتوان چنین خلاصه نمود :

- ۱- تولید بیشتر ،
- ۲- ازدیاد در آمد واقعی فردی و پیشرفت در جهت برابری کامل کارها و یاداشها .
- ۳- بالا رفتن سطح زندگی و رفاه و آسایش افراد هر جامعه و تنوع

- نیازمندیهای بشری و برآورده شدن هر چه بیشتر آنها .
- ۴- پیدایش و تعمیم يك سیستم کلی و همه جانبه بهداشت عمومی .
- ۵- تأمین و تعمیم فرهنگ برای همه .
- ۶- ایجاد و تأمین فرصت های متساوی و کافی برای تمام افراد خصوصا در سالهای جوانی و تعیین کننده زندگی .
- ۷- احترام بشخصیت انسانی و پیدایش و استقرار حکومت دمکراسی باشد کت همه افراد .

۸- استفاده از آخرین تحولات و پیشرفت های علوم و تکنیک .

اینست مشخصات و حدود مفهوم علمی تکامل . و به همین دلیل است که آنچه امروز در خاورمیانه صورت میگیرد و تحقق مییابد تکامل اقتصادی خالص و بمعنی علمی آن نیست اما در خلال تحول اقتصادی گامهایی هم در جهت بهبود زندگی مردم و افزودن رفاه و آسایش عمومی برداشته میشود .

تحول اقتصادی خاورمیانه : ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۶ - مطالعه تحول اقتصادی خاورمیانه در این دوره شامل کشورهای مصر ایران عراق اسرائیل لبنان سوریه و ترکیه میگردد . کوشش میکنیم دورنمایی کلی و عمومی از همه زمینه های فعالیت اقتصادی در این مطالعه بوجود بیاید . ضمن بررسی کشورهای اردن عربستان سعودی سودان یمن بحرین کویت نیز فراموش نشده است .

خاورمیانه رو به پرفتنه از لحاظ آمار اقتصادی فقیر است و آنچه بدست آمده بسعی و اهتمام سازمان ملل یا مراجع بین المللی دیگر است . گاهی نیز شرکتهای نفت به تهیه آمار و اطلاعات اقتصادی اقدام نموده اند . از اقدامات بسیار مفید و اساسی سازمان ملل متحد تنظیم و نشر اطلاعات و آمار اجتماعی و اقتصادی است . تبادل این اطلاعات بین کشورهای جهان در جریان تکامل و توسعه اقتصادی و ترمیم خرابیهای جنگ نقش مهمی را ایفا میکند .

سازمان ملل هر سال گزارشی از اقتصاد جهان تنظیم و منتشر میکند و همراه این گزارش اطلاعاتی نیز در مورد اقتصاد و تحولات خاورمیانه داده میشود اقتصاد خاورمیانه از دو عامل اصلی (سکتور) تشکیل میشود . کشاورزی و نفت : هر گاه این دو عامل را از اقتصاد این ناحیه حذف کنیم تولید و موجودیت اقتصادی خاورمیانه ناچیز و بی اهمیت میگردد .

دورنمای کلی و عمومی : در سالهای پس از جنگ ترقی و پیشرفت محسوسی در اقتصاد خاورمیانه مشاهده شد . جمعیت خاورمیانه بمیزان زیاد

افزایش یافت. اما باید توجه داشت که ازدیاد درآمد فردی همیشه با ازدیاد مصرف فردی توأم نبوده است.

تنهادرپاره از کشورها موسسات عام المنفعه و اقدامات دولت در زمینه تاسیس و ایجاد بنگاههای عمومی وضع زندگی را تا حدودی بهتر ساخته. پس از جنگ دوم ازدیاد درآمد ملی در کشورهای خاورمیانه بیشتر از ازدیاد جمعیت بود. این توسعه از ۱۳۲۹ بعد بر سرعت خود افزود و زیاده تر نیز از مجرای صنایع نفت عملی میشود تا دیگر قسمتهای اقتصاد. سرمایه گذاری در صنایع نفت و توسعه این صنایع کم و بیش در همه نواحی نفت خیز صورت عمل گرفت. صادرات نفت خام و تولید نفت نیز قوس صعودی پیمود. در عین حال نیز کمکهای بزرگی بترکیه و اسرائیل انجام گردید و سرمایه گذاری در رشتههای دیگر افزایش پیدا کرد. جدول زیر سرمایه گذاری خارجی را در دهساله ۳۳-۱۳۲۴ نشان میدهد.

سرمایه گذاری در کسب و تجارت امریکا:	۸۲۴	میلیون دلار دیگران:	۶۹۵
خریداری اوراق قرضه	۱۴۰		۱۰
کمکهای دولتی و نظامی و اعتبارات	۱۰۹۸		۴۵۲
کمک بمؤسسات جهت توسعه یا تاسیس بنگاههای تازه	۵۳۳		۷۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۲۲۸

۲۵۹۵

شروع جنگ در کره قیمت مواد خام واکه از خاورمیانه صادر میشود بالا برد و بیازرگانی رونق داد. اما قسمت زیادی از درآمد ملی که باین ترتیب افزایش یافت بمصرف وارد کردن اجناس و کالاهای مصرفی رسید و قسمت بزرگی از درآمد ملی نیز که گاهی از نصف سرمایه های خصوصی بکار افتاده زیاد تر بود صرف کارهای ساختمانی گردید. ازدیاد قیمت پنبه سطح کشت آنرا افزایش داد. اما توسعه نفت خصوصاً پس از سال ۱۳۲۹ مهم تر و پردامنه تر بنظر میآید. شرکتهای نفت پس از این تاریخ که مصادف با ملی شدن نفت ایران است در شرایط پرداخت تجدید نظر کردند. ازدیاد درآمد نفت خصوصاً در عراق کویت عربستان سعودی و کمک خارجی بترکیه و اسرائیل و اختصاص دادن قسمت زیادتری از درآمد دولتها برای اجرای اصلاحات زمینه را برای طرح و اجرای نقشه های کلی رفهرم آماده نمود.

اما علیرغم ازدیاد در آمد ملی در سالهای پس از جنگ سطح زندگی مردم بطور کلی ترقی محسوس نکرده است و فقر و محرومیت هم چنان ادامه دارد. علل این امر روشن بنظر میرسد: زیرا اولاً مقداری زیاد از سرمایه های بیگانه در خاور میانه بکار افتاده است که قسمتی از در آمد آنها بصورت حق الامتیاز و غیره بدولتهای مربوط پرداخت میگردد. صرفنظر از اینکه مبالغ پرداختی در مقام مقایسه با سود بازرگانی جزئی و ناچیز است اساساً همین مبالغ نیز صرف رفاه و آسایش مردم نمیشود. علت دوم اینست که سیستم اجتماعی و رژیم حکومت در اکثر کشورهای خاور میانه طوری است که نمیتواند مانند رژیم های دولتی در اروپای غربی و سائیل زندگی و رفاه مردم را تأمین و فراهم کند و سطح زندگی افراد را ترقی دهد. بکار افتادن سرمایه خارجی در این کشورها در اغلب موارد بر فقر و فساد موجود میافزاید. مطلب دیگر اینکه در جلب کمک های خارجی نیز تمام کشورهای خاور میانه توفیق نیافتند و تنها بعضی زمامداران که کاردان تر بودند از این راه استفاده نمودند. درباره دیگر از کشورها کمک خارجی اساساً منشاء بهبود زندگی و رفاه مردم واقع نشد و مساعی بهدر رفت!

درآمدهای ملی که در اثر بالا رفتن قیمت صادرات تکثیر پیدا کرد قسمتی صرف وارد کردن کالاهای مصرفی و اجناس لوکس شد و قسمتی دیگر بساختن تخصیص یافت. و پرواضح است که در چنین شرایطی ایجاد تحول در اقتصاد و بالا بردن سطح زندگی مردم کار دشواری است.

اوضاع مالی: پس از جنگ دوم جهانی اصلاحات مهمی در سیستم های مالی بعضی از کشورهای خاور میانه صورت گرفت. مصر و اسرائیل بلوک استرلینگ را رها کردند و سوریه و لبنان از بلوک فرانک خارج شد. عربستان سعودی پول مستقلی برای خود بوجود آورد. در مصر عراق اسرائیل کویت عربستان سعودی و سوریه بانکهای مرکزی تأسیس گردید. در عملیات و سازمان بانکهای بازرگانی نیز توسعه پیدا شد و در بیشتر کشورها بانکهای صنعتی و کشاورزی بوجود آمد. در زمینه مالیه عمومی نیز اصلاحاتی بعمل آمد مالیات بر در آمد از سال ۱۹۳۸ در این نواحی باب گردید. اما در آمدی که مشمول این مالیات میگردد نرخ مالیات و سازمانهای اداری و وصول عواملی هستند که هدف اصلی از مالیات بر در آمد را تا حدود زیاد غیر قابل حصول میسازند. فساد عمومی سازمانهای اداری از یکطرف و نرخ قلیل مالیات و نفوذ ملاکین بزرگ توأم با طرز توزیع در آمد ملی باعث میگردد که مالیات بر در آمد

جزء بسیار کوچکی از در آمد کلی دولت‌ها را تشکیل دهد. در مالیات ارضی هم اصلاحاتی صورت گرفته است. اما اینجا هم همان عوامل آشنا و معروف باعث اشکال میشود. متقابلاً مالیاتهای غیر مستقیم بر مصارف اولیه و کالاهای مصرفی و ارزاق و سوخت و غیر آن بسته شده و فشار زندگی و گرانی را بر دوش طبقات زحمتکش و تولید کننده و دهقان تحمیل مینماید و فقر و محرومیت را توسعه میدهند.

پس از جنگ دوم تمایل و خط مشی روشنتری در تجارت خارجی خاور میانه مشهود است و تجارت خارجی که در زمان جنگ تنزل فاحش کرده بود چه از لحاظ حجم و چه از لحاظ ارزش تزايد یافت. در جدول زیر وضع تجارت بعضی کشورهای خاور میانه دیده میشود.

کشور	۱۹۴۶	۱۹۴۹	۱۹۵۱	۱۹۵۲	۱۹۵۳	۱۹۵۴
مصر						
واردات	۴۵	۸۵	۱۰۰	۷۵	۶۳	
صادرات	۷۳	۱۰۱	۷۴	۶۲	۸۹	
عراق						
واردات	۶۵	۹۶	۱۰۶	۱۲۲		
صادرات	۶۳	۶۲	۱۱۷	۸۶		
اسرائیل						
واردات	۸۸	۹۹	۹۹	۹۲	۹۱	۱۱۵
صادرات	۸۹	۱۲۰	۱۲۰	۱۱۴	۱۶۳	۳۵۰
سودان						
واردات	۵۳	۸۹	۱۱۳	۱۶۱	۱۶۰	
صادرات	۸۵	۱۰۱	۱۳۰	۸۸	۱۳۲	
ترکیه						
واردات	۳۹	۸۶	۱۲۰	۱۶۶	۱۶۴	۱۶۸
صادرات	۶۸	۱۰۴	۱۰۱	۱۲۲	۱۴۸	۱۳۴

در مورد بیلان سال ۱۹۵۴ نه ماهه اول در نظر گرفته شده است. تزايد سریعتر و پرمتر واردات بر صادرات بسیار جالب است و این افزایش در سالهای بین ۱۳۲۵ و ۱۳۲۸ با سرعتی قوس صعودی را میپیماید. نتیجه این وضع کسرو عدم توازن بازرگانی خارجی و سیستم پرداختها است.

اما بعضی از کشورهای خاورمیانه که تولید کننده نفت میباشند دیرتر متوجه کمبود عدم موازنه پرداختهای خارجی میشوند. در آمد نفت کمبود عدم تعادل بازرگانی را جبران مینماید و بوسیله آن بازهم واردات کالای مصرفی و لوکس و اجناس زائد و بیمصرف افزایش مییابد. درباره دیگر از کشورهای خصوصاً آنها که نفت ندارند کمک خارجی نقش موثری بازی کرد. این کمک خصوصاً در اسرائیل و ترکیه حائز اهمیت بوده است. نتیجه کسر بازرگانی خارجی این شد که ذخائر و اندوختههای لیره فرانک و دلار کشورهای خاورمیانه پس از جنگ بمصرف رسید و کمبود صادرات را جبران نمود.

قیمت پنبه و دیگر مواد خام صادراتی خاورمیانه در اثر تجدید ساختمان صنعتی اروپا ترقی کرد و پس از سال ۱۳۲۶ در آمد حاصله از صادرات را در خاور میانه زیاد کرد. در سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ (شدت جنگ گره) اوضاع و شرایط بازرگانی به بهترین موقعیت خود در سالهای اخیر رسید و افزایش واردات بر صادرات تقلیل پیدا کرد. لیکن در پایان ۱۳۳۰ باز قیمت ها تنزل یافت و واردات بر صادرات فزونی گرفت. درباره از کشورهای اقداماتی برای تثبیت قیمت ها بعمل آمد. لیکن با تمام این اوضاع و احوال اغلب نواحی این سرزمین هنوز وابسته اقلام معین و محدود صادرات خود هستند و نتیجتاً تغییرات اقتصادی جهانی در وضع و شرایط اقتصادی آنها فوق العاده مؤثر است و معلول همین وضع است که ذخیره ارزی کشورهای خاورمیانه که نفت ندارند قلیل و برای رفع نیازمندیهای آنان کافی نیست. در کشورهای خاورمیانه باستثنای نفت ۹۰ درصد صادرات را محصولات کشاورزی تشکیل میدهد. تکثیر جمعیت که در بعضی کشورها زیادتر از افزایش تولید کشاورزی است کشورهای بخصوصی مانند مصر را که خود صادر کننده غله بوده اند تبدیل بوارد کننده غله نمود و واردات غذائی کشورهای دیگری مانند اسرائیل و لبنان را بشدت افزایش بخشید. درباره از کشورهای نیز سطح اراضی کشاورزی سال بسال تنزل یافت. و در نتیجه تولید کشاورزی با اینکه از دید جمعیت فوق العاده نبود کفاف مصارف سالانه کشور را ننمود. علل این امر تقلیل در آمد دهقانان تورم پول و گرانی مایحتاج زندگی و ابزار و ادوات کشاورزی کهنه و قدیمی و کم اثر است که کشاورزان را از روستاها آواره ساخت و برای کسب نان روانه شهرها نمود. اجحاف و عدم توجه مالکین نیز در این جریان سهم و موثر است.

جدول شماره يك

در جدول زیر ذخیره یا موجودی طلا و ارزهای خارجی موسسات رسمی و همچنین سرمایه های خارجی که در کتور های بخصوص خاورمیانه بکار افتاده بواحد ملیون دلار جمع آوری شده است .

۵۴	۵۳	۱۹۵۲	۱۹۵۱	۱۹۵۰	۱۹۴۹	۱۹۴۵	۱۹۳۸	موسسه
۱۷۴	۱۷۴	۱۷۴	۱۷۴	۹۸	۵۴	۵۳	۵۵	مصر . بانک ملی . طلا
۲۳۰	۲۱۴	۲۰۹	۳۵۶	۶۳۶	۶۹۴	۱۱۱۶	۴۰	ارز
۳۲۸	۳۴۰	۳۶۹	۴۲۷	۲۴۵	۲۳۶	۲۹۲	۸۰	سرمایه خارجی
۱۳۸	۱۳۷	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۲۷	۲۶	ایران بانک ملی . طلا
۴۸	۶۷	۳۶	۵۲	۱۱۳	۱۰۳	۱۰۰	۱۲	ارز
۱۱۹	۸۱	۳۸	۲۲	۲۵	۸	۱۲		عراق . بانک ملی ارز
۱۱۵	۱۰۰	۹۱	۹۲	۹۲	۹۱	۱۶۴	۲۲	سرمایه خارجی
	۳۰	۴				۱۸	۱۱	اسر اوپل بانک ملی ارز
						۱۸۰	۲۲	سرمایه خارجی
۱۴۴	۱۳۳	۱۳۳	۱۵۱	۱۵۰	۱۵۴	۲۴۱	۲۹	ترکیه . بانک مرکزی طلا
۶۲	۴۹	۴۷	۶۶	۶۵	۴۹	۴۶	۵	ارز

جدول شماره دوم

در جدول زیر موجودی پول و قیمت عمده فروش و هزینه زندگی رادر بعضی از کشورهای خاور میانه میبینیم. واحد این جدول برای سال ۱۹۴۸ صد انتخاب شده است.

۱۹۵۴	۱۹۵۳	۱۹۵۲	۱۹۵۱	۱۹۵۰	۱۹۴۹	۱۹۴۵	۱۹۳۸	نام کشور
۱۰۲	۹۹	۱۰۵	۱۰۷	۱۰۳	۹۹	۱۰۲	۱۹	مصر: پول
۱۰۵	۱۰۸	۱۱۳	۱۱۶	۱۰۴	۹۴	۱۰۱	۳۱	قیمت عمده فروشی
۱۰۱	۱۰۵	۱۱۳	۱۱۴	۱۰۴	۹۹	۱۰۴	۳۶	هزینه زندگی
۱۶۴	۱۵۷	۱۴۳	۱۱۴	۱۱۱	۹۹	۸۹	۱۴	ایران: پول
۱۳۳	۱۱۲	۹۳	۸۹	۷۹	۹۳	۸۹	۱۷	قیمت عمده فروشی
۱۲۵	۱۰۷	۱۰۰	۹۳	۸۹	۱۰۹	۱۰۰	۱۵۹	هزینه زندگی
۱۲۹	۱۰۷	۹۱	۹۵	۱۰۰	۹۶	۱۱۷	۱۳	عراق: پول
۷۷	۸۰	۹۶	۹۳	۸۵	۸۳	۹۰	۱۸	قیمت عمده فروش
۷۱	۷۳	۸۴	۷۸	۷۳	۸۰	۸۷	۱۵	هزینه زندگی
۳۱۷	۲۵۷	۲۱۵	۲۰۱	۲۶۲	۱۲۹	۹۸	۱۵	اسرائیل: پول
۲۷۰	۲۲۹	۱۵۶	۹۶	۸۳	۹۷	۷۰	۲۲	قیمت عمده فروش
۲۳۳	۲۰۸	۱۶۲	۱۰۴	۹۵	۱۰۳	۷۵	۳۰	هزینه زندگی
۲۲۰	۲۰۳	۱۶۳	۱۴۳	۱۱۶	۹۸	۷۹	۲۴	ترکیه: پول
۱۲۳	۱۱۲	۱۰۹	۱۰۳	۱۰۴	۱۱۰	۱۰۲	۲۹	قیمت عمده فروش
۱۱۸	۱۰۷	۱۰۴	۱۰۳	۹۷	۱۰۸	۹۵	۲۱	هزینه زندگی

در این جدول موجودی پولی مجموع پول در جریان و سپرده های بانکی در نظر گرفته شده است.

چنانچه اوضاع اقتصادی و مالی وهم چنین قیمت ها را در خاور میانه بطور کلی و صرف نظر از نوسانات موقتی و فشاری که بر طبقات مصرف کننده وارد میاید در نظر بگیریم پس از جنگ دوم بعضی کشورهای خاور میانه با استثنای ایران و اسرائیل اوضاع اقتصادی خود را تثبیت نمودند.

اولین دهساله پس از جنگ را در خاورمیانه به دوره تقسیم می‌کنیم.
 ۱- ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در این دوره قیمت‌ها نزول می‌کرد قیمت کالاها که در دوره جنگ تاده برابر ترقی کرده بود کم کم کاهش یافت و هم سطح قیمت‌های بین‌المللی گردید.

۲- ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰: در این دوره مواد خام رونق و رواج فوق‌العاده یافت صادرات خاورمیانه رو باز دیاد گذارد و خصوصاً پنبه و پشم بازار خوبی پیدا کرد. در نتیجه این وضع بار دیگر قیمت واردات و صادرات ترقی نمود و در بعضی کشورها تورم ایجاد شد.

۳- دوره سوم از اواسط سال ۱۳۳۱ آغاز می‌شود. رواج فوق‌العاده مواد خام کم کم زایل می‌گردد و این دوره با سیر نزولی قیمت‌ها ادامه می‌یابد. پایان این دوره سال ۱۳۳۳ است.

سال ۱۳۳۳-۱۳۳۴. مطالعه تحولات اقتصادی این دوره زیاد تر روی کشورهای است که آماری تهیه و در دسترس قرار داده‌اند. (مصر- ایران - عراق- اسرائیل- لبنان سوریه و ترکیه). جمعیت خاورمیانه در ۱۳۳۳ در حدود ۱۰۰ میلیون بود. این رقم افزایش نسبتاً زیادی را در سالهای اخیر مجسم می‌سازد. در عرض چهار سال شاید جمعیت این نواحی در حدود ده درصد ازدیاد پیدا کرده است.

هئیت مطالعه اقتصادی سازمان ملل که در ۱۳۲۸ بخاورمیانه آمد چنین گزارش داد: «خاورمیانه دچار فقر شدید و بی‌انتهاست» این نظریه را باید تا حدودی توصیف نمود و خصوصاً بین کشورهای صادرکننده نفت و آنها که نفت ندارند امتیاز قائل گردید. در سالهای اخیر در اثر زیاد درآمد نفت و شرایط بهتر پرداخت درآمد کشورهای تولیدکننده نفت بطور قابل ملاحظه افزایش یافته است. اما در کشورهای دسته دوم که نفت تولید نمی‌کنند ازدیاد درآمد ملی ناچیز بوده است. از کشورهای خاورمیانه فقط اسرائیل لبنان سوریه و ترکیه ارقام و آمار در درآمد ملی سال ۱۳۳۳ خود را در دست دارند و از ارقام و آمار در درآمد ملی سال ۱۳۳۴ فقط تخمینی برای اسرائیل موجود می‌باشد. این ارقام و آمار که بصورت ساده اولیه می‌باشد و در بعضی موارد تنها تخمین بسیار تقریبی و دوری است شامل عوامل اصلی اقتصاد می‌گردد و درآمدهائی که از این عوامل و منابع ناشی شده نشان می‌دهند:

درآمد ملی بعضی کشورهای خاورمیانه در سالهای مختلف پس از جنگ بازگرم نشاء درآمد.

واحد ملیون پول کشور مر بوطه :

نام کشور	پول	سال	جمع	درآمد فردی	کشاورزی	صنایع	ساختمان	بازرگانی	خدمات دولتی	خدمات شخصی
مصر (لیره مصری)		۱۳۲۹	۸۷۳	۴۳	۳۵۳	۷۱	۲۵	۲۶	-	-
		۱۳۳۱	۸۳۶	۳۹	۲۶۹	۷۰	۲۵	۲۰	-	-
		۱۳۳۲	۸۵۷	۳۹	۲۷۳	۳۸	۲۰	۲۹	-	-
		۱۳۳۳	۱۱۳۰	۶۵	۴۰	۲۶۳	۶۷	۳۰	-	-
اسرائیل (لیره اسرائیل)		۱۳۳۳	۱۲۳۱	۵۶۷	۲۰۲	۳۲۲	۷۷	۷۷۱	-	-
		۱۳۳۴	۱۷۵۰	۰۰۰	-	-	-	-	-	-
		۱۳۳۹	۵۳۰	۱۳۸۷	۲۰۶	۳۳۱	۴۳	۳۰۰	۴۰	۹۶
		۱۳۳۲	۵۵۱	۳۵۷	۱۲۲	۶۳۱	۴۰	۳۳۱	۵۰	۱۰۱
سوریه (لیره سوریه)		۱۳۳۳	۵۷۱	۸۵۷	۲۲۶	۱۳۱	۱۳	۳۵	۶۵	۳۰۱
		۱۳۳۲	۳۶۰	۳۷۴	۸۷	-	۰۷۱	-	-	-
		۱۳۳۳	۱۶۵۰	۴۵۰	۰۷۰	-	۲۰۰	-	-	-
		۱۳۳۱	۸۶۷	۴۲۸	۴۴۳	۳۶۰	۶۱۴	۱۵۶	۱۵۱	۲۵۲
ترکیه (لیره ترک)		۱۳۳۲	۶۶۶۳۱	۶۴۵	۵۱۲۸	۰۳۷۱	۳۶۶	۳۳۶۱	۳۰۳	۳۵۴
		۱۳۳۳	۴۲۷۳۱	۶۰۶	۳۳۶۵	۲۳۰	۳۱۷	۶۸۵۱	۳۷۴	۴۵۳

به موجب این جدول در آمد ملی ترکیه بر مبنای قیمت های جاری سال ۱۳۳۳ تنزل یافته است اما معذالك بالاتر از درآمد سال ۱۳۲۹ بوده . درآمد ملی در لبنان و سوریه و اسرائیل نیز افزایش یافته . در آمد واقعی فردی در اسرائیل ۷ درصد اضافه شد در حالی که در ترکیه ۱۲ درصد تقلیل یافت . افزایش درآمد واقعی فردی اسرائیل در ۱۳۳۴ در حدود ۰ درصد بود . در مورد کشورهای دیگر آماری در دست نیست اما با توجه به آمارهای موجود در اسرائیل و اینکه کشور مذکور صنعتی تر از همه کشورهای خاور میانه است میتوان حدس زد که در آمد واقعی فردی در کشورهای دیگر افزایش نیافته است .

جدول درآمد ملی مذکور بخوبی نشان میدهد که عامل کشاورزی مسئول تغییرات درآمد ملی سال ۱۳۳۳ میباشد مثل تنزل و سقوط درآمد ملی ترکیه در ۱۳۳۳ معلول و ناشی از سقوط تقریبی ۲۰ درصد قیمت های تولید و محصولات کشاورزی است .

خرمن های ۱۳۳۳ ترکیه بسیار مختصر و فقیر بود . سقوط درآمد بازرگانی نیز تا حدودی زیاد معلول همان عامل است . در سوریه عامل (سکتور) کشاورزی معادل ۲۱۰ میلیون لیره اضافه درآمد ۲۹۰ میلیون درآمد ملی را تامین کرد . حتی در اسرائیل که فقط یک هشتم درآمد ملی ناشی از کشاورزی است تغییرات این عامل تاثیر مهمی در درآمد ملی مینماید .

ارزش خالص تولید در اسرائیل لبنان ترکیه و سوریه در این سال افزایش پیدا کرد . اما این افزایش فقط در اسرائیل و ترکیه واقعی و اساسی بود . روی هم رفته میتوان نتیجه گرفت که درآمد ملی در ۱۳۳۳ خصوصاً در زمینه های تولید و نفت (باستثنای ایران که بمیزان سابق رسید) اضافه گردید . درآمد ملی مصر نیز زیاد شده زیرا در این کشور درآمد کشاورزی خصوصاً در زمینه گندم برنج غله و تا حدودی زیاد پنبه از سال قبل زیادتر بوده است .

نکته جالب اینست که تفاوت های موجود در داخله کشورهای خاور میانه و شرایط و اوضاع و احوال متفاوت اتخاذ یک نظریه کلی را در باره تحول و تکامل اقتصادی خاور میانه مشکل میسازد . «اقتصاد این کشورها تا حدودی زیاد خوشبین کننده و امید بخش نیست» بازرگانی خارجی ملل این ناحیه ده درصد ارزش بازرگانی داخلی آنهاست . جنبه های مشترک اقتصادی زیادی نیز بین آنها وجود دارد . بسیاری از این کشورها را میتوان زیادتر یک ناحیه کشاورزی تعریف کرد . آنها علاقه مشترکی با بیاری و کشاورزی با آب کم و برداشت محصولات

در شرایط واحد دارند. زیاده‌تر این کشورها باروشهای کهنه کشاورزی و استفاده از حیوانات سروکار دارند و بسیاری از آنها کوشش مینمایند با ایجاد صنایع تولیدی خسارات ناشیه از توجات برداشت و درآمد کشاورزی را جبران بسازند با استثنای اسرائیل در هیچ کشوری زیاده‌تر از ده درصد شاغلین در امور صنعتی استخدام نشده‌اند. صنعت در اغلب کشورهای مراحل اولیه را می‌گذرانند و منسوجات و دیگر صنایع درجه دوم در همه جایکنواخت و یکسان است.

زندگی اقتصادی مردم این ناحیه هنوز تحت تسلط سرنوشت غلات و حبوبات (گندم-جو-برنج) در آمد میوه‌دانه‌های روغنی و پنبه است و آثار و انعکاس تغییرات و توجات برداشت و درآمد این محصولات بطور روشن در ارقام درآمد ملی آنها ظاهر میگردد. مثلاً پنبه مصر ۳۰ درصد تولید کشاورزی و ۸۵ درصد تمام صادرات آنرا تشکیل میدهد. و تغییرات درآمد ملی استخدام صنعتی و موازنه بازرگانی خارجی آنرا باید پیوسته تابعی از تغییرات تولید پنبه دانست. با وجود مساعی پاره از کشورهای تولید صنعتی در اغلب آنها کوچک و بسیار کم اهمیت است و تکامل آن بطور کلی وابسته و منوط بقدرت خرید جامعه کشاورزان است. کشورهای خاورمیانه در حقیقت تولیدکنندگان مواد خام هستند که در آمد صادرات خود را صرف خرید کالاهای ساخته شده خارج مینمایند. صنایع کوچک و مقدماتی خاورمیانه هیچگاه نمیتوانند با صنایع بزرگ و مجهز و پر محصول باختر مقاومت و رقابت نمایند و باین ترتیب مادام که نقشه‌های اقتصاد ارشادی و متمرکز و تقلیل و کنترل واردات در این کشورها تنظیم و اجرا نگردد اقتصاد آنان تابعی از شرایط اقتصادی و بازارهای مواد خام مغرب زمین است و فقر و محرومیت در سراسر خاورمیانه حکومت خود را ادامه خواهد داد.

صنعت نفت يك مورد استثنائی است. این صنعت که در سراسر خاورمیانه زیاده‌تر از ۱۵۰۰۰۰ نفر را بکار نمی‌گمارد سرمایه متر ا کمی (پالایشگاه-خط لوله) در حدود ۲۶ میلیارد دلار دارد. کمک مستقیم در حدود سالی ۸۸۰ میلیون دلار و کمک غیر مستقیم آن (حقوق- دستمزد- خریدهای محلی و خدمات) معادل ۲۰۰ میلیون دلار است اما از کمک مستقیم نفت که بدرآمد عمومی ریخته میشود فقط بعضی از کشورها استفاده میبرند و آنرا در جهت تکامل بمصرف می‌رسانند در آمد نفت با سرعت زیاد جذب و تحصیل میگردد اما سرعت مصرف آن در راه تکامل و بهبود اقتصادی ناچیز است در آمد نفت در بعضی از کشورهای خلیج فارس حتی از کل درآمد قابل پیش بینی پس از تکامل زیاده‌تر میباشد.

چنین بنظر میرسد که صنایع نفت دیگر در نواحی خلیج متمرکز نخواهد شد. در آمد نفت تنها عامل بسیار مشخص و امیدوار کننده خاورمیانه است و صرف نظر از آن زمینه امیدبخشی برای کار و پیشرفت بنظر نمی‌رسد. اشکالات و موانعی که در راه تکامل اقتصادی خاورمیانه موجود است بطور کلی از نوع اشکالات و موانع موجود در کشورهای عقب مانده می‌باشد و این موانع بکار انداختن سرمایه‌های زیاد را خصوصاً در داخله کشورها دشوار می‌سازد.

اوضاع سیاسی و اقتصادی متغیر و نامنظم مخارج سنگین و بودجه‌های دفاع نظامی و بالاخره سیستم‌های اقتصاد لیبرال و آزاد که هیچ نوع هدف و نقشه متمرکز در آنها بچشم نمی‌خورد موانع و مشکلات موجود خاورمیانه را در راه تکامل نمی‌کاهد بلکه آنرا تشدید می‌کند. سعی و کوشش ملل خاورمیانه برای مواجهه با مشکلات و مسائل بزرگ و رفع نیازمندیهای مالی فشار تورمی پول را در بعضی کشورها زیاده‌تر ساخته و از این راه اشکالات موازنه پرداختها را افزوده. عدم ثبات صادرات و کمبود ارزهای گرانقیمت برای واردات مواد خام و لوازم در بعضی سرزمینها هرج و مرج اقتصادی برپا کرده است. کمک و اعتبارات خارجی نیز فقط در چند کشور معدود مؤثر بود و فشار تورم را قابل تحمل ساخت. اما در هر حال انفلاسیون بسیر صعودی خود ادامه می‌دهد و قیمت‌های داخلی بالا می‌رود. مطالعات فرسنگی تغییر جهتی در بازرگانی خارجی بعضی از کشورها مانند مصر و ترکیه بطرف اروپای شرقی پیش آمده است و باعث گرا دینار که کالای این نواحی دیرتر و دشوارتر بیابازارهای غرب برسد.

با اینهمه نقشه‌های متعددی برای تکامل و پیشرفت در خاورمیانه طرح گردیده است. سد اسوان سالهاست مورد مطالعه می‌باشد سدی بر رودخانه فرات و سد دیگری برای انحراف سیلاب به دجله چندین سد در ایران بر نامه‌های هفت ساله و غیره همه برای تغییر اوضاع و بهبودی است. رویهمرفته سرعت تحولات در سالهای گذشته و خصوصاً سال ۴-۱۳۳۳ افزایش پیدا کرده است. اما تنها نقشه کافی نیست باید دید چه موقع و بچه نحو این نقشه‌ها اجرا خواهد گردید.

سال ۳۵-۱۳۳۴ در این مدت تقاضای صادرات خاورمیانه به سیر صعودی خود ادامه داد. تزیاید صادرات زیاده‌تر در مورد نفت بود اما محصولات دیگر مانند پنبه نیز در این ازدیاد شرکت داشتند از دیاد صادرات با تغییر جهت آن توام

گردید خریدهای اتحاد شوروی و اروپای شرقی زیادتر شد و صادرات باروپای غربی رو به تقلیل رفت. واردات نیز بنوع خود توسعه پیدا کرد و واردات جدیدی از اروپای شرقی میرسید. قیمت های واردات و صادرات نسبت به سه سال گذشته تغییر یافت اما رو به پهمرفته آنها را تغییرات کلی و عمومی نمیتوان تلقی نمود. جریان سرمایه های خارجی به خاورمیانه نیز ثابت مانده است. سرمایه گذاری در صنایع نفت که که از تراکم منافع حاصل شد در ۱۳۳۳-۱۹۰ میلیون دلار و در ۱۳۳۴-۲۱۰ میلیون دلار و ۱۳۳۵ معادل همان مبلغ است. اما سرمایه های خارجی دیگر که برای امور غیر از نفت بکار انداخته شد ناچیز و کم اهمیت و قابل اغماض بنظر میرسد. و بازممانند گذشته جریان سرمایه بطور عمده متوجه ترکیه و اسرائیل میگردد. قروض بیشتری هم از طرف کشورهای متحد آمریکا و دیگران بممالک خاورمیانه اعطا شد. سرمایه گذاری در تکامل و انجام طرحهای خاورمیانه مؤثر گردیده است و طرحهای عمده بیشتر مربوط به کشاورزی آبیاری حمل و نقل و امور عام المنفعه میباشد. دوسد بزرگ در عراق و دوسد دیگر در ترکیه پایان رسید و راه آهن تهران مشهد نیز بمرحله تکمیل رسید.

برداشت و درآمد کشاورزی دچار موجی بزرگ گردید و علیرغم رشد سریع دیگر عوامل اقتصادی هنوز قسمت بزرگتر مردم در رشته کشاورزی مشغول کار هستند. در آمد کشاورزی ۴۰ تا ۵۰ درصد درآمد ملی بعضی کشورها را بوجود میآورد اراضی زیر کشت افزایش پیدا کرد و بعضی موانع در جهت توسعه کشاورزی از بین برداشته شد. اما با اینهمه سطح کشاورزی و تولید را عواملی مانند آب و هوا تعیین مینمایند و در سال ۳۵-۱۳۳۴ این عوامل کمتر مساعد بوده است.

تولید کشاورزی در ترکیه که نزدیک نیمی از غله این ناحیه را تامین می میکند در سال ۳۴-۳۵ تنزل کرد و در کشورهای دیگر نیز وضع خوب نبود. محصول پنبه که پس از غلات مهمترین رقم تولید و صادرات است تموج و تغییر کمتری داشت.

صنایع نفت به پیشرفت و توسعه سریع خود ادامه داد و وقفه بحران سوئز موقتی بود. در آمد مستقیم دولتهای خاورمیانه از نفت باین ترتیب افزایش پیدا کرد. سال ۱۳۳۲-۵۰۰ میلیون دلار ۱۳۳۳-۶۸۰ میلیون دلار ۱۳۳۴ در حدود ۸۸۰ میلیون ۱۳۳۵-۹۴۰ میلیون مصرف مواد نفتی در خاورمیانه نیز توسعه یافت و در چند سال اخیر نیز با سرعت متوسط در صد اضافه شد.

تولید نفت خام در ۱۳۳۳-۱۲/۸ و در ۱۳۳۴-۱۸/۳ درصد افزایش پیدا کرد. اما سرعت تزاید محصولات تصفیه شده بمراتب بیشتر از نفت خام بوده است علت این افزایش ساختمان پالایشگاههای جدید از یکطرف و استفاده کامل از پالایشگاه آبادان از طرف دیگر محسوب میشود. در سالهای اخیر قسمت عمده سرمایه گذاری شرکتهای نفت خاورمیانه صرف تولید نفت خام و خط لوله میشود. ساختمان خط لوله در سالهای ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۰-۴۱۵ میلیون دلار خرج برداشت. این رقم با ۴۶۰ میلیون دلار که در تولید نفت و ۱۶۵ میلیون دلار که در تصفیه نفت بمصرف رسیده است قابل مقایسه نمی باشد و اهمیت خط لوله و هدفها و مقاصد و سیاستهای کلی و عمومی مربوط با آنرا مجسم میسازد. بعضی دولتهای خاورمیانه نیز اساساً مبادرت بساختن و ایجاد خط لوله نموده اند. قدمهایی نیز برای تشکیل یک ناوگان نفت کش برداشته شده است و در این کوششها افراد و دولتهایی از خاورمیانه شرکت دارند.

سرمایه گذاری دولتی در بسیاری از کشورهای خاورمیانه مانند ایران - عراق - ترکیه نقش مهمی بازی میکند و تولید صنعتی و بهره برداری از معادن جز بآن وسیله امکان پذیر بنظر نمیرسد. اما متقابلاً سرمایه گذاری خارجی در زمینه صنایع غیر نفتی نقشی حقیر و قابل اغماض و بی اثر دارد.

فشار تورم در اینسال نیز ادامه پیدا کرد و در اکثر کشورهای محسوس بود. نیروهای مؤثر در ایجاد انفلاسیون از داخل کشورهای سرچشمه میگرفت زیرا مخارج دولت افزایش یافت ارقام بودجه دفاعی بالا رفت و سرمایه گذاری خصوصی نیز در صنایع و معادن مزید بر علت شد و سطح درآمد پولی و هم چنین تقاضای پول را بالا برد.

در اینسال تمام کشورهای بمیزان و حجم واردات خود افزودند اما اعتبار این واردات یا از راه درآمد نفت تأمین میشد و یا بوسیله کمکها و قروض خارجی. از طرف دیگر در ترکیب واردات تغییری داده شد و بکالاهای سرمایه زیادتر توجه گردید و در اثر این عامل آثار عدم توازن بازرگانی خارجی اندکی کاهش پیدا کرد.

از دیاد درآمدهای پولی مقارن و همزمان با افزایش متناسب کالاهای مصرفی و عرضه آنها نبود. در بیشتر کشورهای خاورمیانه خرمینهای سال ۱۳۳۴ فقیرانه و ناچیز بود. اما در سال بعد وضع بهتر شد و با اینهمه افزایش تولید کشاورزی حوائج عمومی را تأمین نکرد و قیمت مواد غذایی باز افزایش پیدا کرد. و سیاست تحدید واردات خصوصاً در مورد کالاهای مصرفی که

بوسیله مصر اسرائیل و ترکیه اتخاذ گردید کمبود مذکور را زیادتر محسوس گردانید .

در مورد آثار بحران سوئز باید افزود که جنبه موقتی داشته است . عملیات نظامی خرابی قابل ملاحظه در مصر بوجود آورد ساختمانها از بین رفت و وسائل حمل و نقل و تأسیسات معادن برای مدتی از حیز انتفاع خارج شد . در ناحیه کانال سوئز بحران بیکاری بوجود آمد . قطع مبادلات بازرگانی مصر و دیگر کشورها و تعطیل فعالیت مؤسسات انگلیسی و فرانسوی در مصر و بلو که شدن وجوه و اعتبارات ارزی مصر اقتصاد این کشور را برهم زد و حتی محصول صنعتی و معدنی در آخرین دو ماه سال ۱۹۵۶ (آبان و آذر ۱۳۳۵) سقوط نمود . اقتصاد اسرائیل نیز از اردو کشی و مخاصمات سوئز زیان دید اما تمام این عوامل موقتی بود . و تولید فلاحتی بحال خود باقی ماند .

تولید و حمل نفت نیز زیان فراوان دید و در سال ۱۳۳۵ نتوانست بمیزان قبل از ملی شدن سوئز برسد و باین ترتیب پیمان سال ۱۳۳۵ نزدیک میشود .

سال ۱۳۳۵-۳۶ مطالعه اقتصاد جهان در سال ۱۳۳۶ مطالعه انفلاسیون محسوب میگردد . در خاورمیانه نیز ناگزیریم اقتصاد و تحول آنرا در ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ از نظر انفلاسیون و نیرو هائی که بآن کمک کردند یا از شدتش کاستند مطالعه کنیم . برای درک بهتر شرایط اقتصادی باید بچند سال قبل بازگشت .

مطالعه کلی : خصیصه کلی و عمومی کشورهای خاورمیانه تمایل و تلاش مردم جهت تحول و تکامل و افزایش میزان رفاه و آسایش است . و این جریان را که کم و بیش صورت و خاصیت یک نهضت یا رستاخیز عمومی دارد نمیتوان نا دیده گرفت .

در سالهای سی و پنچوسی و شش تحول و تولید صنعتی پیشرفت و بهبود زیادتری پیدا کرده است اما تولید کشاورزی و وسائل آن کم و بیش بحال خود باقی ماند . تولید کشاورزی با زهم تابع شرایط جوی و آب و هواست . در مورد تغییرات تولید صنعتی با تأسف باید افزود که علیرغم توسعه موثر و متناسب آن میزان و حجم کلی تولید را افزایش نداده است و تولید صنعتی «پورسانتاژ» کوچکی از کل تولید ناحیه بشمار میاید . کوشش زیادی در این کشورها برای سرمایه گذاری بعمل میاید و در زمینه های آبیاری کنترل سیل حمل و نقل و امور و مسائل عام المنفعه شامل آب تصفیه شده برق تسهیلات ارتباطی فعالیت میشود . سرمایه گذاری عمومی دولتی سریعتر و بزرگتر از سرمایه

گزاره‌ی خصوصی است و در ایران مصر - عراق و اسرائیل جزئی از کل سرمایه‌گذاری را تشکیل می‌دهد. در عراق در حدود ۵۰ درصد یا کمتر و در اسرائیل بالغ بر ۷۵ درصد. اما بنظر می‌آید که در ترکیه سوریه لبنان سرمایه‌گذاری خصوصی گرایش باز دیاد دارد و از سرمایه‌گذاری عمومی بیشتر می‌شود. مخارج و مصارف عمومی نیز در این سال توسعه یافته است. و ارقام بودجه دفاع و سپس تعلیم و تربیت و رفاه عمومی افزوده گردید. بودجه‌های عمومی کشورهای خاور میانه در سالهای اخیر و خصوصاً سال ۳۳۵ و ۳۳۶ ناگهان انبساط پیدا کرد افزایش بودجه عمومی از ۳۰ درصد در مصر به ۱۳۰ درصد در اسرائیل کشیده می‌شود. افزایش بودجه عمومی سوریه ۹۰ درصد و لبنان و ایران ۷۰ درصد است. اما جای تأسف است که مجموع مخارج عمومی کشورهای مورد بحث قسمت اعظم از درآمد ملی را اشغال می‌کند و تأثیر مهمی در بالا بردن قیمت‌ها دارد. هزینه‌های عمومی بسرعت قوس صعودی را طی کرد و میزان درآمد عمومی را پشت سر گذارده منجر به کسر بودجه گردید. اگر پنج ساله اخیر را رویهم محاسبه کنیم تنها عراق لبنان و سوریه مانده بستانکار و اضافی خواهند داشت. در ۱۳۳۵ حتی عراق و لبنان هم کسر بودجه پیدا کردند. در بعضی کشورهای اقروض عمومی افزایش یافت. در سه ساله ۱۳۳۳ الی ۱۳۳۵ قروض عمومی ایران ۶ درصد سوریه ۱۸ درصد ترکیه ۲۰ درصد اسرائیل ۳۳ درصد و مصر ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده است. در سالهای ۱۳۳۲ الی ۱۳۳۵ عراق تنها کشوری است که کسر موازنه بازرگانی ندارد.

کسر موازنه بازرگانی از بابت قیمت کالا یا ارزش خدمات در سالهای ۱۳۳۳ الی ۱۳۳۵ بشرح زیر است: سوریه ۷ درصد کل واردات: (کمترین کسر) اسرائیل ۸۸ درصد کل واردات (زیادترین کسر) و بقیه کشورها: مصر ۱۵ درصد ایران ۲۲ درصد اردن ۶۸ درصد این اضافه وارداتی بطرق مختلف جبران می‌شود: کمک خارجی - قرضه - منابع زیرزمینی (در مورد اسرائیل اردن و ایران و ترکیه) و موجودی لیره‌های متراکم زمان جنگ (در مورد مصر) کشورهای تولیدکننده نفت در این زمینه احساس دشواری و ناراحتی نکرده‌اند و موضوع کسر بودجه که با درآمد نفت جبران شده است نه تنها باعث گردید که مردم و علاقمندان متوجه حقیقت وضع اقتصادی و کسر موازنه خارجی نشوند بلکه درآمد نفت باعث اختفای حقایق و توهم حصول پیشرفت و تکامل نیز گردید. در عین حال بعضی از کشورها و حتی تولیدکنندگان نفت برای جبران کمبود بازرگانی خارجی خود بر منابع داخلی فشار آوردند این فشار ناشی از

دو امر است. سعی و تلاش عموم برای بهبود و تکامل زندگی و ازدیاد جمعیت کشور. نتیجه این جریان خصوصاً در مورد بعضی منابع داخلی که با کمک بیگانگان استحصال و بهره برداری میشود اینست که اقتصاد عمومی کشور و بطور کلی زندگی مردم و معیشت آنان وابسته منابع خارجی و اقتصاد آنها میگردد.

اما ازدیاد جمعیت خود معلول بهداشت نسبتاً بهتر و کاهش میزان مرگ و تلفات از یکطرف و فقر و جهل و نداشتن سرگرمی از طرف دیگر است. ازدیاد جمعیت درحالی که عرضه کالاهای مصرفی و وسائل تغذیه و زندگی ثابت مانده یا افزایش ناچیزی یافته است باعث صعود قیمت ها نیز میگردد. دستمزدها نیز بسرعت افزایش پیدا کرد و همین افزایش خود موجب گرانی و بالا رفتن قیمت ها شد. افزایش دستمزدها خصوصاً در اسرائیل که نهضت کارگری نیرومندی وجود دارد قابل ملاحظه میباشد. در سال ۱۳۳۵-۶۵ درصد دستمزدهای اسرائیل ۲۰ درصد بالاتر از سطوح سال ۱۳۳۲ بوده است. اما برای کشورهای دیگر آمار در دست نیست و اجمالاً معلوم شده که در آن نواحی نیز دستمزدها بالا رفته است.

از لحاظ قیمت ها باید گفت بعضی کشورها در موقعیت و شرایط بهتری قرار دارند و توانستند افزایش تقاضا و فشاری که روی سطح قیمت ها وارد آمد تحمل کنند و از صعود سریع آن جلوگیری نمودند در حالی که شاخص قیمت های بعضی کشورها مانند ترکیه و اسرائیل در سالهای بین ۱۳۳۲ الی ۱۳۳۶ دائماً افزایش یافته است ولی شاخص قیمت ها در اردن لبنان و سوریه کم و بیش ثابت مانده است. قیمت های ایران در سالهای اول دوره ۱۳۳۲-۱۳۳۶ بالا رفت اما در حد اعلائی خود در دو سال آخر نسبتاً تثبیت گردید، در اردن با واردات اضافی که از محل کمک و قرضه خارجی تأمین میشد سطح قیمت های داخلی در حدود قیمت های ثابت جهانی تثبیت گردید. این واردات بالغ بر یک سوم در آمد ملی بوده است و مضافاً تولید و صنایع داخلی نیز تساهل و دودی پاسخ توسعه تقاضا را داده است. نیروهای ضد تورم لبنان کم و بیش باردن شباهت دارد و اما در عراق بالا رفتن در آمد نفت که قابل تبدیل بارز خارجی است بزرگترین عامل ضد تورم محسوب است. از طرف دیگر صنایع عراق در داخله توسعه یافته است و عده کارگزاران کشاورزی بصنایع منتقل شده اند. در مصر قیمت ها ترقی کرده و وضع آنجا بعراق شبیه میباشد.

سرمايه گذارى خصوصى در اين سال اندكى کاهش مييابد و بنوبه خود نيروي ضد تورم محسوب ميگردد. قطع در آمد نفت در سال ۱۳۳۰ واردات ايران را تقليل داد كسر بودجه دولتي توسعه يافت و صادرات رو بفرزوني گذارد. قيمتها بالا رفت ولي در چند سال اخير با ازدياد در آمد نفت قيمتها اندكى تثبيت شده است و عليرغم بر نامه جديد هفت ساله اعاده در آمد نفت و كمك و قرضه خارجي از كسر مخارج كاسته است.

تنهاد و كشور تر كيه و اسر ائيل در تمام اين مدت (۱۳۳۲-۱۳۳۶) دو چار ترقي قيمت ها بوده اند. علل اين امر نيز روشن بنظر ميرسد. هر دو كشور بر نامه هزينه هاي عمومي و دفاع را افزايش و توسعه داده اند. اسر ائيل در جهت يك هدف تكامل توليد و ايجاد سطح عالي زندگي براي جمعيت خود كه در حال توسعه است پيش ميرود و هزينه هنگفتي براي اسكان مهاجرين و دفاع خود مصرف مينمايد. اسر ائيل كوشش دارد منابع طبيعي اوليه خود را بهره برداري نمايد و منبع و منشاء تحول و افزايش بودجه خود قرار بدهد و فقط معادل ۱۵ درصد در آمد ملي سالانه خود بقرضه خارجي يا قبول كمك خارجي مبادرت نموده است ...

و چنين است دور نمائي از تحول اقتصادي خاورميانه در سالهاي ۱۳۲۴ الي ۱۳۳۶ - كشاورزي نفت و صنايع خاورميانه در اين مطالعه بطور كلي و يكجا مورد نظر بود ليكن در شماره آينده نفت و كشاورزي و صنايع خاورميانه را بطور دقيق تري مطالعه مينمائيم و سپس با استنتاج و اظهار نظر كلي خواهيم پرداخت.

تهران - دي ماه ۱۳۳۷

ناصر و ثوقي

پاره از منابع و ماخذ اين مطالعه :

- 1) Approaches to Economic Development, Buchanan and Ellis.
- 2) Future of the Underdeveloped Countries Staley.
- 3) Economic Development of the Middle East: 1945-1954
- 4) Economic Development of Middle East 1954-55
- 5) Economic Development of Middle East 1955-56
- 6) Economic Development of Middle East 1956-57